

## بازنمایی اصل کرامت انسانی در سیاست‌های حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران در قبال مهاجران خارجی با تأکید بر مهاجران افغانستانی علی خدادوست<sup>۱</sup>، مسعود مطلبی<sup>۲</sup>، عبدالرضا بای<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

### چکیده:

اصل کرامت انسانی که گاه از آن با تعبیری چون «اصل حیثیت و منزلت انسانی» یا «اصل شرافت یا عزت انسانی» نیز یاد می‌شود، مهم‌ترین اصل مبنایی و پایه گذار نظام بین‌المللی حقوق بشر است که بر اساس آن حق‌های بشری که در نظام بین‌المللی حقوق بشر شناسایی شده‌اند، توجیه پذیر می‌باشد. این اصل، سواى متون و منابع دینی و نیز قوانین اساسی، در اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی مورد شناسایی قرار گرفته و حتی در اسناد مربوط به حقوق بشر دوستانه نیز بر رعایت این اصل و لزوم احترام به کرامت انسانی تأکید شده است. نوشتار توصیفی تحلیلی حاضر با هدف شناخت و بازنمایی اصل کرامت انسانی در سیاست‌های حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران در قبال مهاجران خارجی در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی به رشته تحریر درآمده است. اینکه اصل کرامت انسانی به عنوان مهم‌ترین اصل در روابط انسانی در سیاست‌های مهاجرتی جمهوری اسلامی ایران در قبال مهاجران خارجی بویژه مهاجران افغانستانی چگونه عملیاتی شده است و مصادیق آن کدام می‌باشند؟ مهم‌ترین سوالی است که تحقیق حاضر قصد پاسخگویی به آن را دارد. یافته‌ها و نتایج بیانگر آنستکه کرامت انسانی و حقوق بشر، مبنا و معیار همه‌ی تصمیم‌ها، سیاست‌ها و اقدام‌های جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست مهاجرتی بوده تا جائیکه بوضوح رعایت این امر را می‌توان در حقوق آموزشی، رفاهی و زیستی که برای مهاجران افغانستانی در نظر گرفته شده مشاهده نمود.

**واژگان اصلی:** کرامت انسانی، سیاست‌های حقوق بشری، مهاجران خارجی، مهاجران افغانستانی.

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

۲. استادیار علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mmtph2006@yahoo.com

۳. استادیار روابط بین‌الملل، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

## ۱- مقدمه

ایرانیان در طی چند دهه اخیر به صورت جدی با پدیده مهاجرت مواجه بوده‌اند. این مهاجرت در هر دو شکل خروج تعدادی از شهروندان به دلایل مختلف از کشور و ورود شهروندان کشورهای همسایه به خاک ایران در اثر وقوع جنگ و فقدان امنیت، تاثیر پایداری در نگرش ایرانیان نسبت به جهان خارج از جغرافیای زیستی و ذهنی شان داشته است. در این نوشتار کوشش می‌شود تا به تبیین این موضوع پرداخته شود که چرا در سال‌های پس از انقلاب اسلامی مسأله پذیرش مهاجران بویژه مهاجران افغانستانی و نیز حقوق آن‌ها از اهمیت قابل توجهی برای ایران برخوردار بوده و هست. شاید برای بسیاری از مخاطبان این سوال مطرح باشد که در میان مشکلات سخت معیشتی که مردم ایران در این دوره از سر می‌گذرانند، تأمل و تلاش برای حفظ حقوق مهاجران افغانستانی و بهبود آموزش، زیست و شرایط رفاهی و اجتماعی آنان در جمهوری اسلامی ایران بر چه اساس و یا اصلی توجیه می‌شود؟ فی‌الواقع نوشتار حاضر تلاش دارد اصل کرامت، جایگاه و مصادیق آن را در سیاست‌های مهاجرتی جمهوری اسلامی ایران در قبال مهاجران خارجی بویژه مهاجران افغانستانی بازنمایی کند و نشان دهد که چرا و چگونه به رغم تبلیغات ضد ایرانی و منفی مخالفان جمهوری اسلامی ایران، این کشور مبتنی بر اصل کرامت انسانی و ارزش‌ها و هنجارهای حقوق بشری توانسته است حقوق مهاجران افغانستانی اعم از مجاز و غیرمجاز را به رغم تحریم‌ها و فشارهای سیاسی و اقتصادی رعایت نماید.

## ۲. پیشینه پژوهش

مروری نظام مند بر مطالعات انجام شده در زمینه اصل حقوق بشری کرامت انسانی نشان می‌دهد که تاکنون کمتری پژوهشی در زمینه نقش و جایگاه اصل کرامت انسانی در سیاست‌های حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران در قبال مهاجران خارجی بویژه مهاجران افغانستانی به رشته تحریر درآمده است. فی‌الواقع بیشتر پژوهش‌های انجام شده به شکل بنیادی و بدون توجه به مصادیق، این مهم را مطالعه نموده‌اند. از جمله می‌توان به: مکردان (۱۳۹۷) در کتاب «کرامت انسانی و تفسیر قضایی حقوق بشر»؛ فارسیجانی (۱۳۹۶) در کتاب «کرامت انسان از نگاه اسلام و مسیحیت»؛ ارغوانی پیرسلامی و دهقان (۱۳۹۷) در مقاله «گفتمان حقوق بشر در اسلام: تبیینی از منظر کرامت انسانی»؛ کرباسیون (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی ملازمت کرامت ذاتی و غیرذاتی در حقوق بشر اسلامی»؛ جوان

آراسته (۱۳۹۷)، در مقاله «نگرش دینی به رابطه کرامت انسان و حقوق بشر»؛ تدین اسلامی و مجیدی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی جایگاه اصل کرامت انسانی در حقوق شهروندی از منظر مکتب فقهی مقصدگرا»؛ حبیبزاده و فرج‌پور (۱۳۹۵) در مقاله «کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن» اشاره نمود.

### ۳. ادبیات مفهومی و نظری

#### ۳-۱. چستی لغوی و مفهومی کرامت انسانی

کرامت در لغت به معنای بزرگواری (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه کرامت)، بزرگی کردن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: ۵۱۰)، سخاوت، شرافت (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷: ۶۰۷) و دوری از پستی و فرومایگی آمده است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۱۰۳). برابر کرامت، لثامت به معنای پستی است (طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ۱۳۷۵: ۱۵۳). کرامت انسانی به زبان ساده ارزش ذاتی هر کدام از آدم‌هاست. به‌رسمیت‌شناسی کرامت بشر، یعنی احترام به جایگاه ویژه انسان‌ها که انسان را از بقیه حیوانات متمایز می‌کند؛ چیزی که غیرقابل انکار و سلب‌نشدنی و تفکیک‌ناپذیر و غیر قابل تجزیه است. فی الواقع حرمت و کرامت انسانی حقی مطلق و خدشه‌ناپذیر است که تجاوز به آن به هیچ بهانه‌ای جایز نبوده و این حق، حتی از حق حیات نیز برتر است، چرا که حق حیات استثنا بردار بوده، اما حق حرمت و کرامت انسان استثنا نمی‌پذیرد و تجاوز به آن در هیچ حالتی روا نیست.

در ترمینولوژی حقوق بشری، اصطلاح کرامت انسانی به این شرح تعریف شده است: «کرامت انسان، ارزش فطری (ذاتی) یا شایستگی هر انسان است که با وجود هویت و ماهیت انسانی هر فرد انسانی وجود می‌یابد و به عنوان مبنای فلسفی تمامی حقوق بشر شناخته می‌شود.» (Conde, 2002: 109). به این ترتیب، اصل کرامت مقرر می‌کند، همه موجودات بشری به صرف انسان بودن و فارغ از هرگونه تمایز و حتی نوع عملکردشان از حیثیت ذاتی برخوردارند. پس تمامی آنان در پیشگاه قانون و مجریان آن برابرند و واجد کرامت هستند و باید به حیثیت و کرامت آن‌ها احترام گذاشته شود و کرامت ذاتی آن‌ها را مورد حمایت قرار داد. آن چنان که در حکم مورخ ۱۰ دسامبر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق<sup>۱</sup> آمده است؛ «اصل کرامت انسانی در صدد است تا

1. The International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY)

موجودات بشری را از هتک حرمت نسبت به عزت نفس، شرافت، منزلت و روانشان مصون بدارد.»  
 (ICTY, Case No. IT- 96, 17/1, 10 December 1998, paras. 162 – 183).

### ۲-۳. جایگاه و کرامت انسانی در اسلام

کرامت انسان در اصطلاح دینی فضیلت و شرافتی است که او را از دیگر آفریده‌ها متمایز می‌کند (کاشانی، تأویلات، ۴۲۲ق: ۳۸۳). واژه «کرامت»<sup>۱</sup> واژه‌ای قرآنی بوده که در قرآن کریم، خداوند از اعطای کرامت به ابناء بشر سخن گفته است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم» (آیه ۷۰ سوره اسراء). به گفته علامه طباطبائی، مفسر شیعه، در آیات مختلفی مانند آیه ۳۰ سوره بقره و ۱۳ سوره حجرات نیز درباره کرامت انسان سخن گفته شده است (طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۳ق، ج ۱۳، ص ۱۵۵). به نظر محمدتقی جعفری، کرامت انسانی یکی از اصول بنیادین و ثابت برای حقوق انسان‌ها در طول تاریخ است (جعفری، ۱۳۷۸: ۳۹۱). جوادی آملی، مفسر شیعه، هدف انبیا را به کرامت رساندن انسان‌ها و دور کردن آن‌ها از پستی و لثامت می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۱۳۰). در روایاتی از معصومان نیز درباره حفظ کرامت انسانی و احترام به افراد جامعه توجه شده است (جعفری، ۱۳۷۷: ۱۲۳-۱۱۹)؛ از جمله برخاستن پیامبر (ص) به احترام تشییع جنازه یک یهودی. پیامبر اسلام در پاسخ به سؤال صحابه در این باره، تصریح کرد که هر گاه جنازه‌ای دیدید به احترام آن از جا برخیزید (بخاری، ۴۲۲ق، ج ۲، ۸۵). امام علی (ع) نیز در نامه خطاب به مالک اشتر، بر لزوم حفظ احترام و حرمت غیرمسلمانان چنین سفارش کرده است: «در عمق دل خویش مردم را دوست داشته باش. برای مردم چون درنده ای مباش که خوردن آنان را غنیمت شمارد؛ چون آن‌ها دو صنف اند: یا برادر دینی تواند یا اگر مسلمان نیستند، در خلقت مانند تو یک انسان هستند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۴۲۷). آنچه از این حدیث به دست می‌آید این است که انسان بما هو انسان، حرمت و کرامت دارد و از نظر حقوق اجتماعی، مسلمانان با غیر آن‌ها فرقی ندارند و از حقوقی یکسان بهره می‌برند. ایمان اگرچه مؤلفه ای دخیل در کمال یافتن انسان و نزدیکی اش به خداست، اما در زندگی اجتماعی به عنوان یک شهروند عادی، همه حقوقی مساوی دارند.

از دیدگاه امام خمینی (ره) انسان با کرامت خلق شده است و کرامت انسان فضیلت و شرافتی است که او را از دیگر موجودات ممتاز می‌کند (صحیفه امام، ج ۶، ۱۳۸۹: ۳۰۱). به اعتقاد ایشان افرادی که برای کرامت انسان حرمتی قائل نیستند و بر ضد بشریت اقدام می‌کنند، خود حرمتی ندارند و باید با آن مبارزه کرد؛ از این جهت است که انبیای الهی بر کافران سخت می‌گرفتند و با آنان مبارزه می‌کردند (صحیفه امام، ج ۱۹، ۱۳۸۹: ۱۴۱). امام خمینی (ره) با تقسیم کرامت به ذاتی و اکتسابی؛ الف) کرامت ذاتی را مربوط به کمالات وجودی می‌داند که در افراد به تناسب استعدادها و آن‌ها مختلف است. این کرامت ذاتی خود دو قسم است؛ الف) کرامت جسمانی؛ مربوط به خلقت طبیعی بدن است که خداوند انسان را از نوع حیوان در طبیعت جسمانی متمایز کرده است؛ چنانکه ستر عورت و لباس از کرامت‌های خداوند است که اختصاص به انسان دارد و به دیگر موجودات عطا نکرده است (خمینی، آداب الصلاة، ۱۳۸۸: ۹۹)؛ ب) کرامت روحانی؛ این کرامت به اصل ذات و هویت انسان مربوط است. ب) امام خمینی (س) معیار کرامت اکتسابی انسان را در تقوای الهی معرفی می‌کند و معتقد است هر کس تقوایش بیشتر باشد، کرامتش نزد خداوند بیشتر است و مرد یا زن، اختلاف لهجه و زبان و رنگ هیچ یک موجب کرامت نیست و پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) به سبب اینکه با تقواترین مردم بودند، با کرامت‌ترین آنان هستند (صحیفه امام، ج ۱: ۳۷۸ و ج ۶: ۳۱۴). از سوی دیگر به باور امام خداوند بندگان خود را به عبادت و مناجات با خود تکریم کرده است و آنان که اهل معرفت و فضیلت هستند، چیزی را با مناجات با حق تعالی عوض نمی‌کنند و همه عزت، شرف و فضیلت خود را در مناجات با حق تعالی می‌دانند؛ به ویژه نماز که در آن حق تعالی توجه و اقبال به سوی عبد دارد و در آن کرامتی است که عقول بشر از درک آن عاجزند (خمینی، سر الصلاة، ۱۳۸۸: ۲۷). به اعتقاد امام خمینی (ره) تکبر کردن، غرور، خمودی، ارتکاب معاصی، پیروی از هواهای نفس و هر آنچه که انسان را از عبور از منزل حیوانیت به منزل انسانیت بازمی‌دارد، از موانع کرامت انسانی شمرده می‌شود (دانشنامه امام خمینی، ج ۸، ۱۴۰۰، ۴۲۲).

### ۳-۲. جایگاه و کرامت انسانی در اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای

واژه کرامت انسانی در اسناد حقوق بشری متعددی که در سطوح مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای به تصویب رسیده‌اند، مورد تصریح قرار گرفته است. همچنین لزوم احترام به کرامت انسانی و پایبندی به این اصل در برخی از اسناد حقوق بشر دوستانه و رویه قضایی بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته، که به طور اجمالی در جدول ذیل به بیان آن‌ها پرداخته می‌شود.

## جدول شماره (۱): جایگاه کرامت انسانی در اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای

سند	ماده قانونی
منشور ملل متحد مصوب ۱۹۴۵	- مقدمه منشور: تأکید دولت‌های عضو سازمان ملل متحد بر ایمان خود به حقوق اساسی انسان، کرامت انسان و ارزش شخص انسانی - بند ۳ ماده ۱ تأکید بر تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون هرگونه تمایزی به عنوان یکی از اهداف ملل متحد
اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸	- مقدمه اعلامیه: شناسایی کرامت ذاتی انسان و ارزش شخص انسانی، تمامی اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و انتقال ناپذیر آنان به عنوان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان - ماده یک اعلامیه: تأکید بر اینکه تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ کرامت و حقوق با هم برابرند.
کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹	- ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو: تأکید بر ممنوعیت لطمه به منزلت اشخاص انسانی و آسیب رساندن به حیثیت و کرامت اشخاص از جمله رفتار تحقیر آمیز و خوار کننده در هر زمان و هر مکانی.
میثاقین (۱۹۶۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی	- مقدمه میثاقین: تأکید بر اینکه حقوق برابر و غیر قابل اسقاط انسان‌ها، از حیثیت و کرامت ذاتی شخص انسان ناشی می‌شود. - ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: تأکید بر رفتار انسانی و احترام به حیثیت و کرامت انسانی تمامی افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند - ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: ممنوعیت مداخله خودسرانه به حریم خصوصی و تعرض به شرافت و حیثیت انسان. - ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: نیز در ماده ۱۳، ضمن شناسایی حق هر کس به آموزش و پرورش، رشد و شکوفایی شخصیت و کرامت انسانی و تقویت حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی به عنوان هدف آموزش و پرورش مورد قبول دولت‌های عضو.
کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹	- مقدمه: تأکید بر رفع اشکال تبعیض علیه زنان.
کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۹	- مقدمه: تأکید بر تبعیض نژادی، به عنوان اقدامی ضد بشری و نقض آشکار کرامت انسانی.
کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴	- مقدمه: ممنوعیت شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز و تأکید بر کرامت ذاتی شخص انسان به عنوان مبنای حقوق بشر.

<p>- مقدمه: تأکید بر شأن و منزلت ذاتی انسان‌ها. - بند ۲۰: تأیید کرامت ذاتی اقوام بومی. - بند ۵۵: شکنجه به عنوان یکی از زشت‌ترین جلوه‌های تعرض به کرامت انسانی تباه ساز کرامت و حیثیت انسانی.</p>	<p>اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین</p>
<p>- مقدمه: ژنوم انسانی به عنوان مبنای وحدت بنیادین تمامی اعضای خانواده بشری و اساس شناسایی کرامت ذاتی و تنوع آن‌ها. - ماده ۱ تصریح بر اینکه؛ هر کس حق دارد، کرامت و حقوق انسانی او، بدون توجه به ویژگی‌های وراثتی وی مورد احترام قرار گیرد و تنزل مرتبه افراد را به جهت خصایص وراثتی آن‌ها ممنوع دانسته است.</p>	<p>اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر مصوب ۱۹۹۷</p>
<p>- مقدمه: تأکید بر مواجهه با خطرات بالقوه جمع آوری، پردازش، استفاده و ذخیره سازی داده‌های ژنتیک انسانی نسبت به احترام شأن و کرامت انسانی به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های اعلامیه</p>	<p>اعلامیه بین المللی داده‌های ژنتیک انسانی مصوب ۲۰۰۳</p>
<p>- مقدمه: تأکید بر آزادی، برابری، عدالت و احترام به کرامت انسان به عنوان یکی از اهداف اساسی نیل به آمال مشروع ملت‌های آفریقا. - ماده ۵: تأکید بر اینکه هر فرد حق دارد از احترام ذاتی و شناسایی وضعیت حقوقی خود برخوردار شود.</p>	<p>مشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها مصوب ۱۹۸۱</p>
<p>- مقدمه: شناسایی اصل کرامت انسانی به عنوان حقوق اساسی انسان‌ها. - بند ۱ ماده ۱۱: تأکید بر اینکه هر کس حق دارد حیثیتش (شرافتش) محترم باشد و کرامتش به رسمیت شناخته شود.</p>	<p>کنوانسیون بین المللی آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۹</p>
<p>- مقدمه: تأکید بر شناسایی ارزش‌های جهانی کرامت بشر، آزادی، برابری و همبستگی. - فصل اول: بیان پنج حق مربوط به حرمت و کرامت انسانی.</p>	<p>مشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا مصوب ۱۹۵۹</p>
<p>- مقدمه: تأکید بر اینکه تمامی انسان‌ها آزاد متولد می‌شوند و در کرامت و حقوق برابرند.</p>	<p>اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان مصوب ۱۹۴۸</p>
<p>- مقدمه: تأکید بر کرامت و حیثیت انسان به عنوان موهبتی الهی. - ماده ۱: تأکید بر برابری تمامی انسان‌ها در اصل شرافت انسانی. - بند ۲ ماده ۲: تأکید بر صیانت از حرمت جنازه انسان و عدم جواز بی احترامی به آن. - ماده ۴: تأکید بر حرمت انسانی و نیز برابری زن و مرد در حیثیت انسانی. - ماده ۱۱: تأکید بر آزادی انسان‌ها و اعلام اینکه، هیچ کس حق به بردگی کشیدن، ذلیل، خوار یا مقهور کردن، استثمار یا به بندگی کشیدن انسان را ندارد.</p>	<p>اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰</p>

#### ۴. مهاجران خارجی در ایران

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به عنوان یک سازمان تخصصی سازمان ملل متحد روز ۱۸ دسامبر (۲۷ آذر) را به دلیل اهمیت مسأله مهاجرت به نام «روز جهانی مهاجران» نامگذاری کرده است؛ مهاجرانی که بر پایه برخی آمارها شمار آن‌ها به حدود ۲۷۰ میلیون نفر در جهان می‌رسد که تقریباً ۳,۶ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند.

مهاجرت عبارت است از جابه‌جایی مردم از مکانی به مکانی دیگر برای کار یا زندگی. مردم معمولاً به دلیل دور شدن از شرایط یا عوامل نامساعد دورکننده‌ای مانند فقر، بیماری، مسائل سیاسی، کمبود غذا، بلاهای طبیعی، جنگ، بیکاری و کمبود امنیت مهاجرت می‌کنند. دلیل دوم می‌تواند شرایط و عوامل مساعد جذب‌کننده مقصد مهاجرت مانند امکانات بهداشتی بیشتر، آموزش بهتر، درآمد بیشتر، مسکن بهتر و آزادی‌های سیاسی باشد. در یک تقسیم‌بندی از مهاجرت می‌توان به مهاجرت‌های ۱. ارادی و خودخواسته؛ ۲. مهاجرت اجباری؛ ۳. مهاجرت توده‌ای؛ ۴. مهاجرت فردی؛ ۵- مهاجرت قانونی؛ و ۶. مهاجرت غیر قانونی اشاره کرد که بحث در مورد هر کدام از آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد (جانزاده، ۱۳۹۹: ۱۰۶۸).

در پیوند با گونه‌های مهاجرت باید گفت که برخی مهاجرت‌ها داخلی اند که به روزانه یا فصلی قابل تفکیک هستند. اما مهاجرت خارجی بین کشورها صورت می‌گیرد و مهاجران از کشوری به کشور دیگر مهاجرت می‌کنند. برخی مهاجرت‌های خارجی با هدف دستیابی به منابع طبیعی و ثروت و یا دستمزد و رفاه بیشتر انجام می‌پذیرد که به آن مهاجرت اختیاری گفته می‌شود. در این گونه مهاجرت‌ها کشور مبدا دچار مشکلات اقتصادی است. به عنوان نمونه مهاجرت اروپاییان به آمریکا، استرالیا، کانادا و آفریقا در قرن نوزدهم یک مهاجرت اختیاری است. مهاجرت کارگران ترکیه به آلمان غربی پس از جنگ جهانی دوم و مهاجرت مردم اتریش، مجارستان و یوگسلاوی به آلمان پس از سال ۱۹۸۹ نیز مهاجرت‌های اختیاری است. در این میان باید بین مهاجر و پناهجو تفکیک قائل شد؛ پناهندگی نوعی از مهاجرت خارجی است که عوامل دافعه در مبدا، مردم را مجبور به نقل مکان می‌کند. به عنوان نمونه جنایات و اشغالگری رژیم صهیونیستی زمینه ساز پناهندگی بسیاری از فلسطینی‌ها به اردن، مصر، سوریه و لبنان شد. حمله آمریکا به افغانستان و جنگ‌های داخلی در آن کشور، بستر را برای پناهندگی افغان‌ها به ایران و پاکستان فراهم کرد. خشک‌سالی، فحطی و جنگ‌های داخلی هم باعث پناهندگی سکنه اتیوپی به کشورهای مجاور شد (فدوی، ۱۳۸۲: ۴۲-۴۱).



در ارتباط با مهاجران به ایران لازم به ذکر است که بعد از افغانستان، مهاجران کشورهای عراق، پاکستان، در رتبه های بعدی حضور در کشورمان قرار دارند. براساس آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران بیشترین جمعیت افراد با تابعیت خارجی ساکن در ایران به کشورهای افغانستان، عراق و پاکستان، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، ارمنستان و ترکیه تعلق دارد و مهاجرپذیرترین استان نیز تهران است. براساس گزارش مرکز آمار ایران جمعیت کل ایران در سرشماری سال ۱۳۹۵، ۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار و ۲۷۰ نفر بوده است که از این میزان ۷۸ میلیون و ۱۶۶ هزار و ۸۲۲ نفر تابعیت ایران، یک میلیون و ۵۸۳ هزار و ۹۷۹ نفر تابعیت افغانستان، ۳۴ هزار و ۵۳۲ نفر تابعیت کشور عراق، ۱۴ هزار و ۳۲۲ نفر تابعیت کشور پاکستان و ۷۱۳ نفر تابعیت کشور ترکیه را داشته‌اند. همچنین ۲۰ هزار و ۸۴۴ نفر از ساکنین در کشور تابعیت سایر کشورها و ۱۰۵ هزار و ۶۰ نفر تابعیت خود را اظهار نکرده‌اند. براساس جدول ارایه شده از سوی مرکز آمار ایران، ۴۰ میلیون و ۴۹۸ هزار و ۴۴۲ نفر «مرد» و ۳۹ میلیون و ۴۲۷ هزار و ۸۲۸ نفر «زن» در ایران زندگی می‌کنند که ۳۹ میلیون و ۵۵۶ هزار و ۴۲۲ نفر «مرد» و ۳۸ میلیون و ۶۱۰ هزار و ۴۰۰ نفر «زن» از آن‌ها با تابعیت ایران، ۸۴۵ هزار و ۲۶۷ نفر «مرد» و ۷۳۸ هزار و ۷۱۲ نفر «زن» با تابعیت افغانستان و ۱۹ هزار و ۷۲۵ نفر «مرد» و ۱۴ هزار و ۸۰۷ نفر «زن» تابعیت کشور پاکستان هستند. همچنین براساس سایر جداول منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران که از سرشماری سال ۱۳۹۵ استخراج شده است نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از جمعیت با تابعیت کشورهای مختلف در نقاط شهری زندگی می‌کنند. بر این اساس حدود ۵۱۵ هزار و ۵۶۷ شهروند با تابعیت افغان در تهران، ۲۱۹ هزار و ۴۴۲ نفر شهروند با تابعیت افغان در استان خراسان رضوی و ۱۸۳ هزار و ۱۲۴ نفر شهروند با تابعیت افغان در استان اصفهان زندگی می‌کنند. گفتنی است طبق این جدول شهروندان افغان کمترین تمایل را برای مهاجرت به استان کردستان با ۱۸ نفر جمعیت داشته‌اند. همچنین شهروندان با تابعیت کشور عراق در میان استان‌های کشور به استان قم علاقه بیشتری به خود نشان داده‌اند. طبق آمارها استان قم با جمعیت ۸۳۶۵ نفر با تابعیت کشور عراق در صدر لیست استان‌های مهاجرپذیر از کشور عراق است. پس از آن استان خراسان رضوی با جمعیت ۶۴۰۰ نفر با تابعیت عراقی و پس از آن خوزستان با جمعیت ۴۹۷۲ نفر از شهروندان با تابعیت عراقی قرار دارد. گفتنی است که کهگیلویه و بویراحمد با جمعیت چهار نفر از شهروندان با تابعیت عراقی کمترین مهاجر از عراق را پذیرفته است. همچنین شهروندان با تابعیت عراقی بیشترین جمعیت را در استان قم دارند. در این استان ۶۵۴۳ شهروند با تابعیت عراقی وجود دارد پس از آن نیز

شهروندان با تابعیت عراق با جمعیت ۱۷۴۴ نفر در استان خراسان رضوی و ۱۶۹۹ نفر در تهران بیشترین تمرکز جمعیتی را به خود اختصاص داده‌اند. استان قم برای شهروندان با تابعیت ترکیه نیز از سایر استان‌های کشور جذاب‌تر به نظر می‌آید. همانطور که آماده نشان می‌دهد از ۷۱۳ نفر جمعیت تابع کشور ترکیه که در ایران زندگی می‌کنند، ۳۴۰ نفر در استان قم زندگی می‌کنند و پس از آن استان تهران با ۱۵۴ نفر و استان آذربایجان غربی تا ۸۳ نفر بیشترین شهروندان با تابعیت ترکیه را در خود جای داده‌اند (ر. ک. سالنامه آماری، ۱۳۹۵).

### ۵. مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران؛ چرایی و روند تاریخی

مهاجرت از افغانستان به سمت ایران روندی است که از گذشته تاکنون وجود داشته و احتمالاً هم در آینده وجود خواهد داشت. در بیانی دقیق‌تر مهاجرت افغان‌ها به ایران یک مسأله قدیمی است و نه جدید.

#### جدول شماره (۲): عوامل مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران در نیم قرن گذشته

عوامل موجود در مبدا (برانگیزنده و بازدارنده)	مداخله شوروی و مقاومت منفی؛ تصفیه مراکز دولتی و آموزش عالی از مخالفان، حکمرانی طالبان در افغانستان؛ اصلاحات انقلابی برای تغییر زیرساخت‌های اجتماعی؛ شروع جنگ داخلی، سرپازگیری اجباری؛ بمباران و قتل عامل بیشتر نظامیان؛ نقض حقوق بشر؛ تعارض‌های قومی و گروهی و جنگ داخلی؛ فرار از تبعیض‌های قومیتی و مذهبی، خشکسالی و قحطی؛ کاهش تولید کشاورزی؛ انهدام مراکز اقتصادی؛ فقدان زیرساخت‌های اجتماعی - اقتصادی؛ سطح نازل درآمدها و ناکارایی و فروپاشی دستگاه اداری و ... .
عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و بازدارنده)	پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شعار امت واحد اسلامی؛ مسافت کوتاه؛ هم‌زبانی و قرابت دینی و فرهنگی؛ مخالفت جمهوری اسلامی ایران با استقرار نظام کمونیستی و نیز طالبان؛ حمایت جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از مجاهدین افغانی و نهضت مقاومت؛ امکان بازگشت سریع افغانستانی‌ها به وطن در صورت مساعد شدن شرایط ... .
موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدا به مقصد	شبکه‌های قاچاق مهاجر؛ هزینه‌های بالای تردد و نیز زندگی در محل جدید؛ دوری از خانه و کاشانه؛ آلودگی محیط زیست؛ تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران و ... .
عوامل شخصی	تحصیلات و دسترسی بهتر به آموزش رسمی؛ تنوع بازار کار، فرصت‌های شغلی بهتر و مهارت‌آموزی حین کار؛ امکانات رفاهی، بهرمندی از خدمات اجتماعی، زیستی و بهداشتی؛ توزیع غیرمستقیم یارانه بین افغانستانی‌ها نظیر خدمات حمل و نقل، آب و برق، نان و ... .

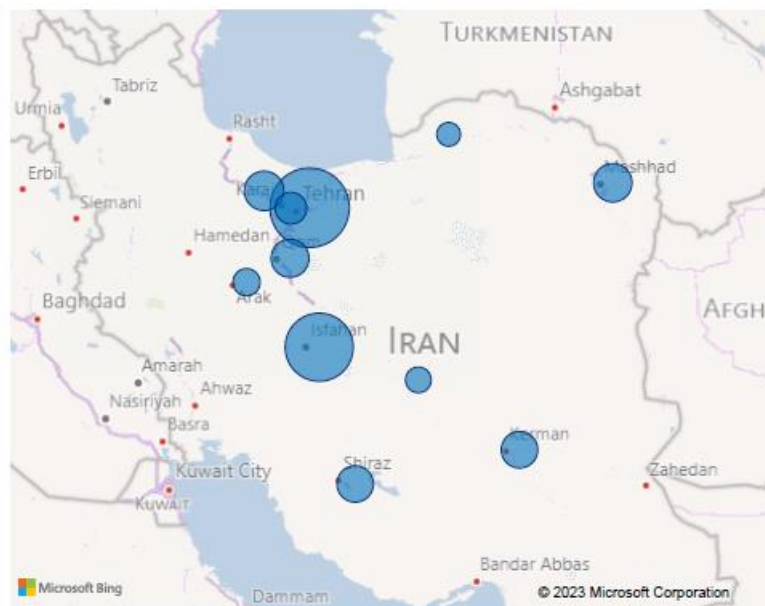
(منبع: خدادوست و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۰)

طبق گزارش رسمی سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ که از سوی مرکز آمار ایران انتشار یافته است ۱ میلیون و ۵۸۳ هزار و ۹۷۹ نفر که ۱/۹۸ درصد جمعیت کل ایران می‌شود را اتباع افغانستانی تشکیل می‌دهد. یکی از منابع آماری برای تعداد مهاجران حاضر در ایران سایت کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان است. این سایت در زمستان سال ۱۴۰۰ تعداد مهاجران حاضر در ایران را ۴ میلیون نفر برآورد کرده بود. کمیساریا در آن تاریخ ۸۰۰ هزار نفر را پناهنده، ۳۱۱ هزار نفر را دارنده‌ی پاسپورت با ویزا، ۲۷۵ هزار نفر را دارنده‌ی گذرنامه خانوار و ۲,۶ میلیون نفر را بدون مدرک برآورد کرده بود. این رقم بسیار نزدیک به رقمی بود که وحیدی وزیر کشور وقت در تیر ماه سال ۱۴۰۱ پس از اتمام طرح سرشماری اتباع خارجی اعلام کرد. در تیر ماه سال ۱۴۰۱ وزیر کشور تعداد مهاجران حاضر در ایران را ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر اعلام کرد. بنا به گفته رضادوست مدیر کل وقت امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور در دی ماه سال ۱۴۰۱ این رقم به پنج میلیون مهمان افغانستانی از طیف‌های مختلف در ایران رسیده است که ۱,۶ میلیون نفر از آن‌ها پس از تحولات سال ۱۴۰۰ و سقوط دولت اشرف غنی و تسلط مجدد طالبان بر افغانستان وارد ایران شدند (رضادوست، ۱۴۰۱).

بیشتر مهاجران افغانستانی در ایران از قومیت هزاره که شیعه‌مذهب هستند تشکیل شده است. از دیگر اقوام افغانستانی ساکن در ایران می‌تواند از اقوام تاجیک، پشتون، ازبک نام برد. طبق سرشماری ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران ۸۴۵٬۲۶۷ نفر از جمعیت اتباع افغانستان در ایران را مردان و ۷۳۸٬۷۱۲ تن دیگر را زنان تشکیل می‌دهد. طبق این سرشماری ۵۳ درصد از جمعیت اتباع افغانستان در ایران را مردان و ۴۷ درصد دیگر را زنان تشکیل می‌دهد. طی سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۴۶ درصد مهاجران افغانستانی در ایران زیر ۲۰ سال و حدود ۶۷ درصد از آنان زیر ۳۰ سال سن دارند. با توجه به حضور ۴۰ ساله این مهاجران در ایران بسیاری از مهاجران احتمال می‌روند که متولد شده ایران باشند. طبق این سرشماری جمعیت مهاجران افغانستانی از مردم بومی ایران جوان‌تر هست (۳۱ درصد ایرانیان زیر ۲۰ سال و ۴۹ درصد ایرانیان زیر ۳۰ سال هستند). یکی از دلایل اصلی آن را می‌توان به آمار بالای زاد و ولد و پایین بودن سن ازدواج در این جمعیت را نام برد. اقامت مهاجران افغانستانی در ۱۵ استان ایران ممنوع است و به جز سه استان قم، البرز، تهران (به جز منطقه خُجیر در منطقه ۱۳) در مابقی استان‌ها در بعضی شهرستان‌ها فقط حق اقامت دارند. البته دلیل محدودیت عبور و مرور پناهندگان افغانستانی در ایران را بایستی اجازه دولت ایران طبق کنوانسیون ۱۹۵۱ حقوق پناهندگان

برای ایجاد محدودیت جا به جایی و ایاب و ذهاب مهاجران خارجی در کشور خود براساس منافع ملی و مسائل امنیتی دانست.

### نمودار پراکندگی مهاجران افغانستانی در ایران



ارائه آمار دقیق، موثق و به روز یکی از ضروری ترین ابزارهای کلیدی در حوزه مهاجرت شناخته می شود. امری که فقدان آن، درک و تحلیل مسأله مهاجرت را با مشکل مواجه می سازد. نبود داده در زمینه مهاجرت و ارائه تخمین های نادرست در این زمینه منجر به اعلام نظرهای غیرکارشناسانه در حوزه مهاجرت می گردد که این امر به نوبه خود زمینه های ایجاد اختلاف نظر و تشتت بین گروه های مختلف جامعه را برمی انگیزاند. چنانچه در زمینه آمار مهاجران افغانستانی در ایران نیز چنین چالش هایی وجود دارد. اعلام نظرهای غیرواقع بینانه از سوی مسئولین نهادهای مختلف در خصوص آمار ورود روزانه مهاجران افغانستانی به کشور از جمله دلایلی است که به این تشتت در جامعه دامن می زند. برخی رسانه ها رقم هشت میلیون و ۱۰ میلیون را برای تعداد مهاجران به کار برده اند که بدون شک اشتباه است. به عنوان مثال روزنامه جمهوری اسلامی یکرروز پس از حمله یک جوان افغانی به سه طلبه در صحن حرم رضوی، در ستون جهت اطلاع خود نوشت: «طبق آمارهای میدانی، جمعیت افغان ها در ایران اکنون به ۸ میلیون نفر رسیده و هر روز حدود ۱۰ هزار نفر به صورت غیرقانونی و قانونی وارد مرزهای ایران می شوند. ترکیب جمعیتی بسیاری از استان ها در حال تغییر است و اتفاقات مهمی در حال رخ دادن

هستند که جنایت در صحن رضوی یکی از آنهاست. مسئولان نظام جمهوری اسلامی چه وقت می‌خواهند این وضعیت خطرناک را کنترل کنند به ویژه آنکه در میان مهاجران، افراد وابسته به گروه تروریستی طالبان فراوانند.» (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۷/۱/۱۴۰۱).

به‌طور کلی با بررسی دیدگاه‌های مردم و مسئولین کشور در زمینه حضور مهاجران افغانستانی در کشور دو دیدگاه کلی قابل شناسایی است: عده‌ای بر این باورند که بنابر آموزه‌های اسلام و مسائل اخلاقی، حمایت از آوارگان نیازمند به کمک‌رسانی وظیفه دینی هر مسلمانی است و بایستی در پذیرش و حمایت از آوارگان افغانستانی به عنوان برادران دینی، ایران همواره به صورت سخاوتمندانه عمل کند. در طرف مقابل، طرفداران دیدگاه مخالف حضور مهاجران افغانستانی در کشور بر این باورند که با توجه به تحریم‌ها و چالش‌هایی که در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و غیره در ایران وجود دارد، حضور مهاجران در کشور به عنوان یک بار اضافی بر دوش اقتصاد کشور تلقی می‌شود و منافع آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد. این دیدگاه به ویژه در مواقعی همچون وقوع حادثه در حرم مطهر امام رضا (ع) برجسته‌تر می‌گردد (منبع: خدادوست و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۳). در چنین مواقعی انتشار آمارهای نامعتبر در رسانه‌ها در خصوص افزایش ورود افغان‌ها به کشور بر شایعات دامن می‌زند و منجر به تحریک افکار عمومی و در نتیجه ایجاد اختلاف و تفرقه بین جامعه ایرانی و جامعه مهاجر افغانستانی می‌گردد.

حضور شهروندان افغانستانی در ایران، در ماه‌های اخیر به یکی از سوژه‌های مهم سیاسی و اجتماعی در ایران تبدیل شده است. گفته می‌شود تا قبل از روی کار آمدن دولت طالبان، تعداد افغان‌های مقیم ایران ۲ و نیم میلیون نفر بوده است ولی اینک، طبق اعلام مقامات رسمی تهران، تعداد آن‌ها دو برابر شده و به ۵ میلیون تن رسیده است؛ هر چند که برخی بر این باورند که به دلیل حضور قاچاقی برخی افغان‌ها، تعداد آن‌ها بیشتر از رقم اعلامی است.

## ۶. اصل کرامت و مهاجران افغانستانی

### ۶-۱. اصل کرامت در رویکرد امت محور رهبران انقلاب اسلامی

رهبران انقلاب اسلامی همواره نگاه امتی را بر نگاه ملتی در قبال مهاجران افغانستانی ترجیح داده‌اند چنانکه امام خمینی (ره) با جهان‌بینی فرا سرزمینی در صدد وحدت امت اسلامی و رهایی ملت‌های مسلمان از استعمار و گرفتاری‌های آن بود. و شعار «اسلام مرز ندارد» و جمهوری اسلامی

ایران موظف است تا به داد همه ملت های مستضعف اسلامی در جهان برسد؛ جاذبه های را برای مهاجران افغانستانی ایجاد کرده است. در نظر آیت الله العظمی سید علی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی آنچه از وحدت در دنیای اسلام مد نظر است، وحدت در حفظ منافع امت اسلامی است و نه وحدت نژادی و جغرافیایی (بیانات در کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، ۲۲ مهرماه ۱۴۰۱). ایشان همچنین ضمن تصویب «تشکیل کمیته اصول برنامه ریزی درباره مهاجران افغانستانی در نهاد رهبری با هدف حل مشکلات مهاجران» و معرفی «تهران [ایران] به عنوان خانه برادران افغانستانی» (خامنه ای، ۱۳۹۴/۱/۳۰) نه تنها «خواهان رعایت حقوق مهاجران افغانستانی بلکه خواستار تکریم آن ها هستند». جمله «مهاجران افغانستانی باید تکریم شوند» آیت الله العظمی خامنه ای در کنار جمله مشهور امام خمینی «اسلام مرز ندارد» قرار گرفته است و همه معتقدان به کرامت انسانی و آموزه های اخلاقی با استناد نقلی به این دو جمله، از حقوق مهاجران افغانستانی در ایران حمایت می کنند. به طور قطع می توان گفت که افکار و اندیشه امامین انقلاب اسلامی نسبت به مردم، مجاهدین داخل و مهاجران افغانستانی مقیم جمهوری اسلامی ایران و طرح آن ها در قالب دستورات و یا فرمایشات صریح و مکرر، خطاب به مسئولین دولت ایران و مردم این کشور، علاوه بر اینکه خط و جهت عمومی و وظایف اساسی ایرانی ها را نسبت به مسایل افغانستان، هم در قسمت دینی (کاربست مواد ۱۰ و ۱۰ اعلامیه حقوق بشر اسلامی) هم در ابعاد سیاسی و انسان دوستانه (کاربست مواد ۲ و ۱۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی)، روشن ساخته، در سطح منطقه و جهان اثرات شگرف و عمیقی را به جا گذاشته و با توجه به محبوبیت آن بزرگواران در میان ملت ها و اثر گذاری عمده ایشان بر مناسبات جهانی، موضوع افغانستان و مهاجران افغانستانی آن، در مرکز توجه جهانی قرار گرفته و بسیار بسیار به نفع همه جانبه افغانستان تمام شده است.

## ۲-۶. اصل کرامت و آموزش مهاجران افغانستانی

آمار دانش آموزان و دانشجویان افغانستانی ساکن ایران ادله دیگری بر رعایت اصل کرامت انسانی و تکریم مهاجران افغانستانی در جمهوری اسلامی است. تا مدت ها یکی از مشکلات مهاجران افغانستانی در ایران تحصیل کودکان شان در مدارس بود. کودکان قانونی با پرداخت هزینه در مدارس ثبت نام می شدند و کودکانی که اقامت قانونی نداشتند یا در مدارس خودگردان آموزش می دیدند یا از تحصیل بازمی ماندند. با دستور آیت الله العظمی خامنه ای رهبر معظم انقلاب در سخنرانی اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ که «هیچ کودک افغانستانی، حتی مهاجرینی که به صورت غیرقانونی و

بی‌مدرک در ایران حضور دارند، نباید از تحصیل بازمانند و همه آنها باید در مدارس ایرانی ثبت‌نام شوند» این معضل حل و زمینه ثبت‌نام بسیاری از کودکان افغانستانی در مدارس ایران مهیا شد و توانستند از حق تحصیل برخوردار شوند. البته این دستور علاوه بر فراهم کردن امکان تحصیل برای کودکان مهاجر بدون مدرک، باعث رایگان شدن تحصیل کودکان دارای مدرک اقامت قانونی و نیز تعیین تکلیف مدارس خودگردان نیز شد.

همچنین امکان ثبت‌نام دانش‌آموزان افغانستانی در مدارس خاص مانند سمپاد و شاهد وجود دارد و هیچ تفاوتی نسبت به دانش‌آموزان ایرانی ندارند. بر همین اساس جداسازی دانش‌آموزان اتباع خارجی و ایرانی در مدارس ممنوع است. بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی وزارت آموزش و پرورش تعداد دانش‌آموزان افغانستانی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، ۶۷۰ هزار نفر دانش‌آموز افغانستانی در ایران تحصیل می‌کنند که این رقم نسبت به سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ که ۳۲۹ هزار نفر از دانش‌آموزان اتباع در مدارس ایرانی تحصیل می‌کردند، افزایش دو برابری داشته است. در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، ۵۵۶ هزار نفر و در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱، ۶۷۰ هزار نفر دانش‌آموز اتباع افغانستانی در مدارس ایرانی تحصیل کرده‌اند که سرانه دانش‌آموزی این دانش‌آموزان به ترتیب ۴۲۷ و ۵۲۷ دلار است. بیش از ۹۶ درصد هزینه‌های تحصیل دانش‌آموزان اتباع افغانستانی را جمهوری اسلامی ایران تأمین می‌کند در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، ۶ میلیون و ۵۳۸ هزار کمک‌های بین‌المللی و ۲۳۷ میلیون و ۶۰۶ هزار دلار هزینه داخلی و در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، ۱۷ میلیون دلار کمک بین‌المللی و ۳۳۵ میلیون و ۶۳۱ هزار دلار هزینه‌های داخلی برای آموزش اتباع افغانستانی صرف شده است. بر این اساس در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ کمک‌های بین‌المللی ۲٫۷ درصد و در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ این کمک‌ها پنج درصد هزینه‌های آموزش دانش‌آموزان اتباع افغانستانی را پوشش داده است که مجموع کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی برای تحصیل اتباع افغانستانی در ایران کمتر از ۳٫۹ درصد از هزینه کل است و جمهوری اسلامی ۹۶٫۱ درصد هزینه‌های آموزش دانش‌آموزان اتباع افغانستانی را برعهده گرفته است. در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ دانش‌آموزان افغانستانی در ۶ هزار مدرسه در حال تحصیل هستند که تنها ۱۱۱ مدرسه با مشارکت سازمان‌های بین‌المللی احداث شده است. استان‌های خراسان رضوی، تهران، قم، اصفهان، سیستان و بلوچستان، فارس و بوشهر بیشترین جمعیت دانش‌آموزی افغانستانی را در خود جای داده‌اند، با این حال دانش‌آموزان افغانستانی در اغلب استان‌های کشور پراکنده شده‌اند (میرزایی، ۱۴۰۱).

همچنین بر اساس آمار سالنامه مهاجرتی ایران سال ۱۴۰۰ تعداد دانشجویان خارجی در ایران در سال ۱۳۹۹ به ۴۴ هزار و ۳۵۰ نفر رسید که در این میان دانشجویان افغانستانی با ۴۶ درصد رتبه اول دانشجویان خارجی در ایران را تشکیل می‌دهند. از کل دانشجویان بین‌المللی که در ایران تحصیل می‌کنند، بیش از ۲۵ درصد از آن‌ها دانشجویانی از افغانستان هستند که به سه طریق امکان تحصیل در کشور پیدا کرده‌اند. عده‌ای از طریق شرکت در کنکور سراسری ایران وارد دانشگاه می‌شوند، تعدادی دیگر از دانشجویان افغانستانی از دانشگاه‌هایی که مجوز دانشجویی غیر ایرانی دارند، پذیرش دریافت می‌کنند و گروه سوم نیز از طریق بورسیه وارد دانشگاه‌های کشور شده‌اند. ضمن اینکه بسیاری از دانشجویان افغانستانی علاقمند هستند به شکل مجازی در کشور تحصیل کنند بعد از اعمال محدودیت تحصیل برای دختران افغانستانی سه دانشگاه تک جنسیتی (مال‌الزهر، کوثر و حضرت معصومه) اعلام آمادگی کردند تا دانشجویان متقاضی را پذیرش کنند.

### ۳-۶. اصل کرامت و سلامت مهاجران افغانستانی

دولت جمهوری اسلامی ایران نیز طبق توافق‌نامه‌ای که میان سازمان امور پناهندگان، اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی و بیمه سلامت به امضا رسید طرح بیمه سلامت پناهندگان را تصویب نمود که طی آن مهاجران افغانستانی در ایران تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرند. بیمه سلامت به تمامی پناهندگان امکان ثبت نام و بهره‌مندی از مزایای بسته بیمه درمانی، مانند شهروندان ایرانی را فراهم می‌کند. بیمه سلامت هزینه‌های خدمات بستری و پاراکلینیکی و سرپایی مانند حق ویزیت پزشک، عکس برداری، آزمایش و دارو متحمله در هر بیمارستان یا داروخانه وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نیز بیماری‌های خاص شامل هموفیلی، تالاسمی، نارسایی کلیه، پیوند کلیه و ام‌اس را شامل می‌شود. این طرح بیمه علاوه بر بهبود دسترسی مهاجران افغانستانی به مراقبت‌های بهداشتی، مزایای مستقیم و غیر مستقیم بالقوه‌ای، از جمله کاهش خطر مکانیسم‌های مقابله‌ای منفی مرتبط با آسیب‌پذیری اقتصادی و متأثر از هزینه‌های بسیار بالای درمانی شخصی، مانند جلوگیری از تحصیل کودکان نیز ارائه می‌دهد. این طرح بیمه علاوه بر بهبود دسترسی پناهندگان به مراقبت‌های بهداشتی، مزایای مستقیم و غیر مستقیم بالقوه‌ای، از جمله کاهش خطر مکانیسم‌های مقابله‌ای منفی مرتبط با آسیب‌پذیری اقتصادی و متأثر از هزینه‌های بسیار بالای درمانی شخصی، مانند جلوگیری از تحصیل کودکان نیز ارائه می‌دهد.



#### ۴-۶. اصل کرامت و تأمین اجتماعی مهاجران افغانستانی

در جمهوری اسلامی ایران سازمان تأمین اجتماعی چهار نوع خدمات بیمه اجباری، اختیاری، حرف و مشاغل آزاد و توافقی را به صورت یک‌سان به تمام شهروندان ایرانی و خارجی ارائه می‌کند و تنها تفاوتی که میان شهروندان خارجی و ایرانی وجود دارد، برخورداری شهروندان ایرانی از بیمه بی‌کاری است. بر اساس این چهار نوع خدمات بیمه تأمین اجتماعی، ماده ۵ قانون تأمین اجتماعی، عملاً اتباع خارجی را که بر اساس قانون کار فعالیت می‌کنند و کارت یا پروانه کار دارند را تحت پوشش بیمه اجباری قرار می‌دهد. البته در قالب بیمه اختیاری مشاغل آزاد و نیز اتباع خارجی از جملع افغانستانی‌ها که شغل آزاد دارند، می‌توانند با پرداخت ۲۷ درصد حق بیمه، تحت پوشش خدمات بیمه تأمین اجتماعی قرار بگیرند و محدودیتی وجود ندارد (خدادوست و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۷). همچنین و در راستای حق بر سلامت و تأمین اجتماعی مهاجران افغانستانی در ایام شیوع ویروس کرونا و فراگیری آن، وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران بدون هیچگونه تبعیضی به مانند شهروندان ایرانی اقدام به واکسیناسیون رایگان مهاجران افغانستانی بدون توجه به قانونی یا غیر قانونی بودن وضعیت اقامتشان نمود که این اقدام ستایش سازمان جهانی بهداشت، یونسف (صندوق کودکان ملل متحد) و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ایران را به دنبال داشت.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اصل کرامت انسانی یکی از اصولی هست که به طور مسلم در جامعه بین‌المللی و نظام حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه مورد شناسایی قرار گرفته است. مطابق با این اصل، هر انسانی باید از احترام و کرامتی برخوردار شود که شایسته همه انسان‌ها است و همه انسان‌ها از این کرامت، باید به صورت مساوی بهره‌مند گردند. بر اساس جهان بینی اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انسان بماهو انسان و فارغ از هر نوع تبعیض و امتیازی، دارای ارزش و کرامت ذاتی است که اعتقاد به این اصل مترقی، تعیین کننده نوع نگرش و برخورد با مهاجران خارجی بویژه مهاجران افغانستانی در جمهوری اسلامی می‌باشد.

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه، حسن همجواری، تأکیدات شرع مقدس، حس نوع دوستی و موازین انسان دوستانه و به عنوان همسایه ای سخاوتمند و به رغم همه دشواری‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و فشارهای غرب، سال‌هاست میزبان مهاجران زیادی از همسایگان

شرقی و غربی خود همچون افغانستان، پاکستان و عراق است.

با وجود برخی اعمال نظرهای سلیقه ای نسبت به قوانین جمهوری اسلامی ایران که برخی از آن برای مخدوش کردن تلاش های حقوق بشری این کشور برای حمایت از مهاجران و پناهجویان خارجی از جمله مهاجران افغانستانی استفاده می کنند، ایران به شکلی روشنگرانه از مردم همسایه، میزبانی می کند و آنان مانند دیگر اتباع ایرانی نه تنها از حق بر زیست و امنیت برابر و بدون تبعیض بلکه از حق برخورداری از آموزش و تحصیلات در سطوح مختلف؛ حق بر سلامت و تأمین اجتماعی؛ حق بر ازدواج و تشکیل خانواده و حق بر کار و اشتغال؛ برخوردار بوده بلکه آزادانه در کنار مردم ایران و نه در اردوگاه های خاص زندگی می کنند. در بیانی شفاف تر تنش های روزهای نخست هجوم مردم بی پناه افغانستان به ایران فراموش شده، آن ها در محله های خاص خود، شبکه های ارتباطی قومی و خویشاوندی گسترده و کارآمد، کسب و کار و تجارت و اشتغال و نظام حقوقی عرفی و مذهبی دارند. در راستای تحقق اصل کرامت انسانی، آسان گیری حکومت بر رفت و آمد و گشودگی مرزها سبب شده که مثلاً در خراسان رضوی، خود را در خانه خود بیابند. افغان تبارها، علی رغم گله گذاری های جسته و گریخته، از نظام آموزش و بهداشت و امکانات شهری بهره مندی تقریباً برابری دارند.

همچنین ضرورت دارد در راستای عملیاتی شدن و تحقق اصل کرامت انسانی در سیاست های

مهاجرتی جمهوری اسلامی ایران به پیشنهادات ذیل توجه شود:

۱. جهان امروز، جهان مهاجرت است و کانون های بحران، مبدأ مهاجرت اند. افغانستان طی حدود نیم قرن گذشته، کمتر روی آرامش دیده و به ویژه در چند سال اخیر که حکومت سختگیر طالبان روی کار آمده است، با بحران های سیاسی و جنگ دست به گریبان بوده و مردم این کشور، به ویژه اقلیت های قومی و مذهبی اغلب در شرایط اقتصادی و اجتماعی بسیار دشواری زندگی می کنند. لذا افغانستان تا اطلاع ثانوی، کشوری مهاجرفرست خواهد بود که همسایگانش بیش از دیگران از وضعیت آن تأثیر می پذیرند. اگر این این واقعیت را بپذیریم، تصمیم سازی و اقدام در زمینه مهاجران افغانستانی واقع بینانه تر انجام خواهد شد.

۲. به موجب اصل کرامت انسانی در سیاست های مهاجرتی جمهوری اسلامی ایران، وقتی

مهاجری به طور قانونی و با رعایت الزامات و مقررات کشور میزبان در آن زندگی می کند، مادام که مرتکب جرمی نشده باشد، شایسته احترام و پذیرش است، به ویژه اگر همانند اکثر مهاجران

افغانستانی باشد که شرافتمندانه در ایران کار می‌کنند و عهده دار بسیاری از امور سختی هستند که بسیاری از ایرانی‌ها زیر بار آن‌ها نمی‌روند.

۳. همزمان با قانونمند شدن حضور مهاجران در کشور از جمله مهاجران افغانستانی، باید با مهاجر ستیزی، مبارزه کرد. مهاجر ستیزان مادام که نقدهایشان بر حضور غیر کنترل شده مهاجران است، محق هستند ولی بسیاری شان درگیر مسائل نژادپرستانه و ضد انسانی می‌شوند. حال آن‌که هر مهاجر، بیش از هر چیزی یک انسان است که به جبر روزگار و به تلخی وطن خود را ترک کرده و وارد دنیای رنج آور، ناشناخته و استرس زای غربت شده است. فی الواقع قانونمند کردن مهاجرت به ایران و زندگی مسالمت آمیز و رفتار انسانی و محترمانه با کسانی که به این قوانین احترام می‌گذارند، خردمندانه ترین راه پیش روی ما برای تعامل با همسایگانی است که از بد حادثه اینجا به پناه آمده‌اند. یادمان باشد که نه تنها به واسطه جبر جغرافیا و الزامات سیاسی و امنیتی منطقه، بلکه به واسطه اصل کرامت انسانی، جمهوری اسلامی ناگزیر به پذیرش مهاجران در کشور می‌باشد. لذا مهاجر هراسی و مهاجر ستیزی، تنها به افزایش سطح تنش در کشور خودمان می‌انجامد.

۴. افزون بر این، در جامعه میزبان هم بازگرداندن مهاجران به کشور متبوع خود به شکلی آبرومندانه و با حفظ کرامت انسانی و الزامات حسن همجواری، اشتراکات تاریخی، تمدنی و دستورات دینی، در دستور کار قرار بگیرد و این امر در تفاهم سازنده با دولت افغانستان و همزمان با فراهم‌سازی مسئولانه بستر پذیرش مهاجران در داخل کشورشان باشد تا از این طریق، مهاجرت دیگر یک «مساله» نباشد، روند بازگرداندن و بازگشتن، به یک چرخه باطل تبدیل نشود و حضور میلیون‌ها پناهنده یا پناهجو با تمام عوارض احتمالی امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مشکلی بر مشکلات ایران، به حساب نیاید.

۵. مطابق با اصل کرامت انسانی در سیاست‌های مهاجرتی، جمهوری اسلامی ایران و افغانستان می‌توانند با توافق بر پذیرش یک جمعیت کوچک، قانونمند و قابل کنترل از مهاجران، مهاجرت را تبدیل به زمینه‌ای برای تربیت یا تبادل نیروی متخصص، منابع انسانی مورد نیاز، پذیرش دانشجو، تعامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و... کنند و از آن در راستای اهداف و منافع مشترک دو کشور، بهره بگیرند؛ بدون اینکه مجبور باشند همواره هزینه‌های سرسام‌آور مواجهه با موج خرابکاری قدرت‌های استعماری با استفاده از مسأله مهاجرت از طریق دامن زدن به همسایه‌هراسی در افغانستان یا مهاجرهراسی در ایران را متحمل شوند.

## منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، جلد ۱۲، بیروت: دار صادر.
- ارغوانی پیرسلامی، فربرز و دهقان، مجتبی (۱۳۹۷). گفتمان حقوق بشر در اسلام: تبیینی از منظر کرامت انسانی، مطالعات حقوق بشر اسلامی، (۲)۷، ۵۰-۲۵.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، چاپ اول، بیروت: دارطوق النجاة.
- تدین اسلامی، سید محمد مهدی و مجیدی، علی رضا (۱۳۹۹). بررسی جایگاه اصل کرامت انسانی در حقوق شهروندی از منظر مکتب فقهی مقصدگرا، پژوهشنامه حقوق بشر، ۶(۲۲)، ۵۳-۳۱.
- جانزاده، علیرضا (۱۳۹۹). عوامل اثرگذار بر مهاجرت افغان ها به ایران، سیاست، ۵۰(۴)، ۱۰۹۲-۱۰۶۷.
- جعفری تبریزی. محمدتقی (۱۳۷۷). پیام خرد (مجموعه مقالات و سخنرانی‌های بین‌المللی)، چاپ اول، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمد تقی جعفری.
- جعفری تبریزی. محمدتقی (۱۳۷۸). تکاپوی اندیشه‌ها (مجموعه مصاحبه‌های استاد علامه محمد تقی جعفری)، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمد تقی جعفری.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹ق). کرامت در قرآن، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۷). نگرش دینی به رابطه کرامت انسان و حقوق بشر، قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ۵(۹)، ۶۲-۴۱.
- حبیب‌زاده، توکل و فرج‌پور اصل مرندی، علی اصغر (۱۳۹۵). کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن، مطالعات حقوق عمومی، ۴۶(۱)، ۱۳۷-۱۱۵.
- خامنه‌ای، آیت الله سید علی (۱۳۹۴). بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رییس جمهور افغانستان، سی ام فروردین ماه.
- خدادوست، علی؛ مطلبی، مسعود و بای، عبدالرضا (۱۴۰۱). جمهوری اسلامی ایران و کاربست اصول اعلامیه حقوق بشر اسلامی در سیاست‌های مهاجرتی در قبال مهاجران افغانستانی، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۱(۳)، ۱۴۳-۱۲۱.
- خمینی، امام سید روح الله (۱۳۸۸). آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، امام سید روح الله (۱۳۸۸). سر الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خمینی، امام سید روح الله (۱۳۸۹). صحیفه امام، جلد ۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خمینی، امام سید روح الله (۱۴۰۰). دانشنامه امام خمینی (ره)، جلد ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رضا دوست، صادق (۱۴۰۱). میزان پنج میلیون میهمان افغانستانی از طیف‌های مختلف هستیم، همایش مدیران کل امور اتباع استناداری‌های جنوب ایران، دفتر منطقه‌ای خبرگزاری تسنیم،

۱۳ دیماه مندرج در <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/10/13/2830996>

زیدی، سیدمحمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی هلالی و علی شیری، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.

طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تصحیح سیداحمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.

فارسیجانی، پرویز (۱۳۹۶). کرامت انسان از نگاه اسلام و مسیحیت، تهران: نشر روزگار.

فدوی، سلیمان (۱۳۸۲). بررسی وضعیت تابعیت در حقوق ایران (۱)، کانون، ۴۶ (۴۰)، ۴۴-۲۷.

قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن، جلد ۶، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کاشانی، عبدالرزاق (۱۴۲۲ق). تأویلات، تحقیق سمیر مصطفی رباب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مکردان، کریستوفر (۱۳۹۷). کرامت انسانی و تفسیر قضایی حقوق بشر، ترجمه مهسا نجفی و رضا اسلامی، تهران: انتشارات خرسندی.

Condé, H. Victor (2002), A Handbook of International Human Rights Terminology, Second Edition, Santa Barbara CA: ABC – Clio.  
ICTY, Case No, IT- 96, 17/1, 10 December 1998, paras. 162- 183.